با مردم
شماره تلفن ارتباطی با خوانندگان
۰۲۱۲۳۰۲۳۳۳۷

نظارتی بر مجموعه‌های تفریحی آبی و استانداردهای آنها نیست

چندی قبل بـــه مجموعه تفریحی آبی در مشـــهد رفتم که تجربه بســـیار بدی بود. در این مجموعه‌ها بـــا وجود تهویه نامناســـب، جمعیت زیادی پذیرش می‌شـــوند درحالی‌که از رعایت بهداشـــت هم خبری نیســـت و متولیان فقط به درآمدهای میلیاردی خود می‌اندیشـــند. در رزومه یکی از این مجموعه‌ها مساحت ۸هزار مربعی برای ۲ بخش بانوان و آقایان با ظرفیت‌های چند هزار نفری اعلام شده که واقعا درست نیست. سرانه استاندارد هر کسی در چنین مکان‌هایی چقدر است. جدای کرونا که اکنون پیک هفتم آن آغاز شده در حالت عادی هم استفاده از این فضاها می‌تواند باعث شیوع بیماری و حوادث ناگوار شود.

پاشایی از تهران

برخورد با بدحجاب‌ها قانونی و بجاست

رعایت حجاب در کشور ما قانون است و هر کس به هر نحوی از قانون تخطی کند مجرم شناخته شده و مستحق مجازات است. اینکه تاکنون درست اجرا نمی‌شده هم موضوعی قابل بحث است اما قانونی که به نفع ســـلامت جامعه است باید رعایت شود.

محمودی از اصفهان

برای ۳۲میلیون تومان همسرم زندانی است

درحالی‌که ارزش ۳۲میلیون تومان این روزها ناچیز شـــده همسر من به‌خاطر این رقم در زندان به سر می‌برد و من در بدترین شرایط مالی در منزل استیجاری‌ام و کاری از دستم برنمی‌آید. کسی هم به ما پول قرض نمی‌دهد و نمی‌دانم آیا کسی به داد من و امثال من می‌رسد یا خیر؟

معصومه همسر زندانی

پیامک
ارسال پیام کوتاه خوانندگان
۰۲۱۲۳۰۲۳۹۱۶

کرایه‌های اتوبوس در مشهد عادلانه افزایش نیافته است

قبلا در مشهد مقدس مبلغ کرایه اتوبوس بدون کارت بلیت ۱۸۰۰تومان بود. در حالی که توقع این بود که کرایه‌ها بشود ۲ هزارتومان یکباره این مبلغ به ۳ هزار تومان رسید. این رقم به‌خصوص برای زائران و مسافران شهر مشهد که کارت بلیت هم ندارند عادلانه نیست.

حبیب از مشهد مقدس

بعد از ۲ماه انتظار کارت سوختم نیامد

اوایل اردیبهشت امسال درخواست صدور کارت سوخت دادم ولی تاکنون خبری از آن نیست. مجبورم سوخت آزاد بزنم که از توان مالی‌ام خارج است و واقعا دچار مشکل شده‌ام.

جعفری از تهران

نماد تاریخی بیهقی در سبزوار ساخته شود

شـــهر ســـبزوار با تاریخی چندصدســـاله نیازمنـــد ایجاد زیرساخت‌های گردشگری اســـت که ازجمله آنها می‌تواند تکمیل نماد نیمـــه‌کاره بیهقی در زادگاه ایـــن مورخ نامی باشد. روستای بیهق با وجود داشتن جاذبه‌های بسیار برای گردشگری به‌دلیل نبود زیرساخت‌ها از این موهبت محروم است. زادگاه بیهقی حتی یک تابلوی در ورودی شهر ندارد که مسافران بدانند زادگاه بیهقی اینجاست.

حلیمی از سبزوار

تعزیرات به شکایات رسیدگی فوری نمی‌کند

در اخبار گفتند که تعزیزات ۱۰ دقیقه بعد از تماس به محل می‌رسند درحالی‌که ۱۰دقیقه فقط باید پشت خط بمانید تا تلفن شما وصل شود و شرح مشکل دهید، آمدن در زمان ۱۰ دقیقه در کار نیست. بیش از ۲۰بار برای گزارش گرانفروشی تماس گرفته‌ام و دریغ از یک‌بار جواب.

صادق از تهران

پیام @
تلگرام با مردم @bamardom_hamshahri

اولویت کار با تبعه ایرانی باشد

با وجود بیکاری جوانان در کشور عزیزمان ایران، چرا این‌همه تبعه خارجی در کشـــور هســـت و بدتر اینکه چـــرا به‌جای به‌کارگیری جوانان ایرانی آنها را به‌کار می‌گیرند. از ادامه این روند باید نگران بود.

ترکمن از قزوین

جلوی تولیدکنندگان لباس‌های عامل بی‌حجابی گرفته شود

حفظ حجـــاب فقـــط رعایت پوشـــش کامل نیســـت که به‌خودخانم‌هـــا مربوط شـــود بلکه باید بـــا قاطعیت جلوی تولیدکننـــدگان لباس‌هایی که نمـــاد صددرصد بدحجابی است، گرفته شود.

حجتی از تهران

اسکله تفریحی کیش فرسوده است

اسکله تفریحی کیش به‌دلیل گرما، موج دریا، توفان و شرجی و رسیدگی نکردن مستمر دچار فرسودگی در شمع‌های اصلی و سازه‌های آهنی شده است. حتی بسیاری از چوب‌های سطح اسکله نیز دچار فرسودگی شده و تخریب شده‌اند. اگر هر چه زودتر بهسازی و مرمت در این اسکله صورت نگیرد باید منتظر حوادث ناگوار بود.

یاری از کیش

مقصر اصلی زباله‌گردی مردم هستند

برخلاف اکثر مردم من با شـــغل زباله‌گردی مشکلی ندارم و فکر می‌کنم این قشـــر بخش مهمی از چرخه اقتصاد هســـتند، البته اگر زباله را در کوچـــه و خیابان نریزند. به‌نظـــر من مقصر اصلی زباله‌گردی‌های آلاینده مردم هســـتند که زباله‌های خود را برای بازیافت جدا نمی‌کنند. زباله‌گردها دنبال چیزهایی هســـتند که بتوانند بازیافت کرده و بفروشند، آنها به پوست میوه و زباله‌تر دست نمی‌زنند. پس برای خلاصی از آلایندگی‌های زباله‌گردها که کم هم نیست مردم دست به‌کار شده و زباله‌ها را پیشاپیش تفکیک کنند.

غلامرضایی از تهران

پسر نوجوان که به عمق چاه ۳۰متری سقوط کرده بود نجات یافت

کبوتر، نوجوان ۱۳ساله را تا یک قدمی مرگ برد

گزارش

نوجوان ۱۳ساله که برای آوردن کبوترش وارد یک زمین کشاورزی متروکه شـــده بود در تاریکی شب به عمق چاهی ۳۰متری سقوط کرد اما آتش‌نشانان موفق شدند او را زنده از اعماق چاه بیرون بکشند.

به گزارش همشهری، حدود ساعت ۱۰ جمعه شب، به آتش‌نشانی شیراز خبر رسید که پسربچه‌ای ۱۳ســـاله به عمق چاهی عمیق سقوط کرده است. این حادثه در روستای داریون از توابع شیراز رخ داده بود و تیمی از متخصصان چاه‌نوردی آتش‌نشانی شیراز به سرعت راهی محل حادثه شدند. چاهی که پسر نوجوان به داخل آن سقوط کرده بود در یک زمین کشاورزی قرار داشت. زمین خشکی که از مدتی قبل به‌صورت متروکه رها شده و روی دهانه چاه نیز هیچ حفاظی وجود نداشت. بررسی‌ها نشان می‌داد که آن شب، پسربچه ۱۳ساله ســـرگرم بازی با کبوترش بوده که ناگهان کبوتر شروع به پرواز کرده و وارد زمین بایر شده بود. پسربچه نیز در تاریکی هوا برای برگرداندن کبوتر وارد این زمین شده و کمی جلوتر که رفته، ناگهان صدای فریاد او به هوا بلند شده و وقتی اطرافیانش به‌دنبال او وارد زمین کشاورزی شـــده بودند، متوجه شدند که وی به داخل چاه سقوط کرده است.

با این اطلاعات عملیات نجات پسربچه آغاز شـــد. با توجه به عمق زیاد چاه، زمان حکم طلا را داشت و هر لحظه تأخیر ممکن بود به قیمت جان پسربچه تمام شود. آتش‌نشان‌ها در ابتدا و با صدا کردن پسربچه مطمئن شدند که او زنده است اما هنوز معلوم نبود شدت صدماتی که دیده چقدر است. در این شرایط به سرعت کارگاهی در دهانه چاه برپا کردند و پس از ایمن کردن محل حادثه وارد آن شده و موفق شدند پسر نوجوان را زنده از داخل چاه بیرون بکشـــند. به‌گفته محمدهادی قانع، رئیس سازمان آتش‌نشانی شـــیراز، علت اصلی این حادثه عدم‌وجود حفاظ و درپورش در دهانه چاه بود اما خوشبختانه پسر نوجوان با سرعت عمل آتش‌نشانان در یک عملیات نفسگیر درحالی‌که دچار صدماتی شده، از چاه خارج شد و از خطر مرگ نجات پیدا کرد. توســـط نیروهای اورژانس برای درمان به بیمارستان منتقل شد. آتش‌نشانان نیز بعد از عملیات نجات، علائم هشداردهنده در محدوده این چاه نصب و آنجا را ترک کردند.

خطر چاه‌های بی‌حفاظ

چاه‌های بی‌حفاظ در زمین‌های کشاورزی بایر یا باغ‌ها تاکنون باعث بروز حوادث مختلفی شده‌اند؛ حوادثی که گاهی به قیمت جان افراد بی‌گناه تمام می‌شود. ۱۸خردادماه بود که آتش‌نشانان شیراز در جریان حادثه‌ای در یکی از باغ‌های اطراف شهر قرار گرفتند. پس از حضور تیم‌های نجات در محل حادثه معلوم شد که خانواده‌ای برای تفریح راهی این باغ شده بودند و بی‌خبر از وجود چاهی بدون حفاظ در این باغ، اجازه داده بودند که پسربچه ۱۰ساله‌شان برای بازی از آنها دور شود. اما این پسربچه زمانی که به کنار استخر رفته بود، ناگهان به داخل چاهی بی‌حفاظ که کنار استخر بود، سقوط کرد و آتش‌نشانان وقتی پیکر او را از چاه بیرون کشیدند که جانش را از دست داده بود. در همان روزها حادثه‌ای دیگر باز هم در یک زمین بایر رخ داد. ماجرا از این قرار بود کـــه اعضای خانواده‌ای که برای سفر راهی شیراز شده بودند، در مسیر توقف کردند تا پدربزرگ ۷۰ساله خانواده برای استراحت و قدم زدن از ماشین پیاده شود. او اما در تاریکی هوا وارد زمین بایری در کنار جاده شد و ناگهان به عمق چاهی ۱۰متری که بدون حفاظ در آنجا رها شده بود سقوط کرد. با گزارش این حادثه به آتش‌نشانی شیراز، تیم نجات و چاه‌نوردی راهی آنجا شدند و موفق شدند مرد سالخورده را زنده از داخل چاه خارج کنند. همچنین در حادثه‌ای مشابه که ماه گذشته در شهر بیضا از توابع شیراز رخ داد، ۲برادر اقدام به اجاره یک زمین کشاورزی کردند اما یک روز که برای لایروبی چاه راهی آنجا شده بودند و سرگرم گذاشتن حفاظ روی دهانه چاه بودند، به‌دلیل سستی خاک و بی‌احتیاطی، یکی از برادرها به داخل چاه سقوط کرد و متأسفانه در این حادثه جانش را از دست داد.

این حوادث در حالی رخ می‌دهند که کارشناســـان آتش‌نشانی و ایمنی بارها به مردم و مالکان باغ‌ها و زمین‌های کشـــاورزی هشدار داده‌اند که نسبت به ایمن‌سازی چاه‌ها دهانه آنها اقدام کنند و هرگز چاه‌ها را بدون قرار دادن حفاظ مناســـب در دهانه آن رها نکنند تا شاهد تکرار چنین حوادثی نباشیم.

پرونده مفقود شدن نوجوان زرآبادی با کشف پیکر او توسط سگ زنده یاب بسته شد

کشف پیکر یاسین با کمک ناتاشا

داخلی

۱۲ روز پس از مفقود شدن یاسین، پســـر نوجوان زرآبادی در رودخانه رابچ در سیستان و بلوچستان، ناتاشا، سگ زنده‌یابی که در عملیات جست‌وجو در حادثه متروپل نیز حضور داشـــت، توانست پیکر بی‌جان او را پیدا کند.

به گزارش همشهری، یاســـین نهنگی، نوجوان ۱۶ ســـاله اهل زرآباد که از اعضای تیم فوتبال آکادمی فرهاد چابهار بود روز یکشنبه ۱۹ تیرماه امسال پس از پایان نماز عید قربان همراه ۲ نفر از دوستانش تصمیم گرفتند که برای شنا و تفریح وارد رودخانه رابچ شوند. دوستان یاسین از قسمت بالای رودخانه وارد شدند اما او از بخش پایینی که عمیق اســـت وارد رودخانه شـــد و از آن لحظه به بعد هیچ کدام از دوستانش او را ندیدند و معلوم نشـــد که چه بلایی بر سرش آمده اســـت. به این ترتیب ماجرای مفقود شدن یاسین و تلاش‌های بی‌وقفه برای یافتن اثری از او آغاز شد.

اتحاد اهالی زرآباد برای یافتن یاسین

هیچ کس به درستی نمی‌دانست بر سر پسر نوجوان چه آمده و او به چه سرنوشـــتی دچار شده است. با این وجود از همان روز اول همـــه اهالی زرآباد برای یافتن او بسیج شـــدند. نیروهای هلال احمر، بسیج، اورژانس، نیروهای دریایی ارتش و سپاه و... تلاش‌های گسترده‌ای را آغاز کردند. چون ممکن بود جریان آب او را با خود برده باشد چندین گروه از نیروهای مردمی در پایین دست رودخانه مشغول جست‌وجو شدند و گروه‌های دیگر نیز اطراف آنجا را جست‌وجو کردند. تلاش‌هایی که با گذشت چند روز به نتیجه‌ای نرسید. در ادامه اهالی زرآباد با ایجاد زنجیره انسانی تصمیم گرفتند همه رودخانه را جست‌وجو کنند. اقدامی که تصاویر آن در شبکه‌های اجتماعی منتشر شد و بازتاب گسترده‌ای داشت. این عکس به نماد اتحاد و همدلی در بین زرآبادی‌ها تبدیل شد و بعد از انتشار آن بود که همه نگاه‌ها به زرآباد دوخته شد. مردم در این مدت حتی با ایجاد راهی فرعی، مســـیر رودخانه را تغییر دادند تا بتوانند راحت‌تر رودخانه را جست‌وجو کنند. در این مدت پدر و مادر یاســـین با هـــر خبری زنده می‌شـــدند و می‌مردند. هروقت که خبـــری درباره احتمال پیدا شـــدن او می‌رســـید امیدهای‌شـــان برای زنده بودن او بیشتر می‌شـــد و وقتی تیم های جست‌وجو به نتیجه‌ای نمی‌رسیدند امیدهای آنها نیز ناامید می‌شد. این شرایط تا چند روز ادامه داشت و جســـت‌وجوها برای یافتن پســـر نوجوان به هیچ نتیجه‌ای نرسید.

عدنان و ناتاشا در زرآباد

وقتی حادثه مفقود شدن یاسین در رسانه‌ها منتشر شد، این خبر به گوش عدنان مطوری، یکی از اهالی آبادان نیز رســـید. او سگی به نام ناتاشـــا دارد که در جریان حادثه ریزش ســـاختمان متروپل از او برای جست‌وجوی مفقودشدگان کمک گرفته بود. عدنان وقتی متوجه شد که جست‌وجوها برای یافتن یاسین به جایی نرسیده است و پدر و مادرش برای او بی‌قراری می‌کنند، تصمیم گرفت همراه با ناتاشا راهی زرآباد شـــود. عدنان و ناتاشـــا از همان روزی که به زرآباد رسیدند جست‌وجو برای پیدا کردن یاسین را شروع کردند. تلاش‌های آنها ادامه داشت تا اینکه سرانجام روز پنجشـــنبه با گذشـــت ۱۲ روز از مفقود شدن یاسین، ناتاشا اعضای تیم جست‌وجو را به جایی برد که هیچ کس گمان نمی‌کرد پیکر یاســـین در آنجا کشف شود. او با دست‌هایش شروع به کندن زمین کرد و به این ترتیب نیروهای مردمی شروع به کندن زمین کردند و توانستند پس از ۱۲ روز بی‌خبری پیکر بی‌جان یاسین را کشف کنند.

ناتاشا چطور یاسین را پیدا کرد

عدنان مطوری هرچند از جانباختن یاسین ناراحت است اما خوشحال است که ســـگ او ناتاشا توانست پیکر ایـــن نوجوان را پیـــدا کرده و به ســـردرگمی خانواده‌اش پایان دهد. او می‌گوید: زمانی که فهمیدم این حادثه اتفاق افتاده تصمیـــم گرفتم از آبادان به زرآباد بروم تا شاید بتوانیم یاسین را پیدا کنیم تا پدر و مادرش به آرامش برسند. او ادامه می‌دهد: روز اولی که به زرآباد آمدیم، برای سگم ناتاشا، لباس یاسین را آوردند و آن را بو کرد. گفتم برو یاسین را پیدا کن. او همان روز مستقیم رفت داخل آب و به ما علامت داد. او ما را به همان محدوده ای که پیکر یاسین پیدا شد برد تا اینکه درنهایت توانست پیکر او را پیدا کند. هرچند بعد از ۱۲ روز پیکر بی‌جان یاســـین را پیدا کردیم اما همین که پدر و مادر او از بی‌قراری نجات پیدا کردند برای ما ارزشمند است. مطوری، حادثه متروپل را یادآوری می‌کند و می‌گوید: وظیفه ما بود که برای کمک بیاییم. همانطور که در حادثه متروپل هم افراد زیادی از شـــهرهای مختلف برای کمک به آنجا آمده بودند این هم وظیفه ما بـــود که این کار را انجام دهیم و برای کمـــک به زرآباد بیاییم. من در اینجا با ماجرای عجیب و غریبی مواجه شدم و آن هم اتحاد بین مردم بود. همه بسیج شده بودند تا هرطور که شده یاسین را پیدا کنند. با چشمان خودم دیدم که مردم چطور برای پیدا کردن این نوجوان تلاش می‌کردند و اتحاد داشتند.

یاسین، قربانی حادثه

سگ زنده‌یاب عدنان مطوری پیکر یاسین را پیدا کرد

زوج سارق وقتی برای سرقت دوباره به ساختمان اعیانی برگشتند دستگیر شدند

نجات معجزه‌آسا از دست دزدان بی‌رحم

«نقشه کشیده بودم که پس از دستبرد به خانه آقای مهندس، همسرش را به قتل برسانم اما در آخرین لحظات التماس‌های همسرم باعث شد تا نقشه را تغییر بدهم» این اعترافات سرایدار خانه‌ای اعیانی در شمال تهران است که به جرم سرقت از این خانه بازداشت شده است.

به‌گزارش همشـــهری، تنها ۲روز از ماموریت کاری مهندس جوان در خارج از تهران گذشـــته بود که او نگران همسرش شد. او و همسرش در ساختمانی اعیانی در شـــمال تهران زندگی می‌کردند اما حالا که مرد جوان راهی ماموریت شـــده بود، هرچه با موبایل همسرش و تلفن خانه تماس می‌گرفت کسی پاسخ نمی‌داد. آقای مهندس که نگران وضعیت همسرش شده بود به تهران برگشت اما وقتی وارد آپارتمانش شد صحنه هولناکی را دید. دست و پای همسرش با طناب و دهانش با چسبی بسته شده و او بی‌حال روی زمین افتاده بود. مرد که وحشت کرده بود، دست و دهان همسرش را باز کرد و وقتی دید او هنوز نفس می‌کشد اورژانس را خبر کرد و وی را به بیمارستان انتقال داد. این در حالی بود که اثاثیه خانه به‌هم‌ریخته بود و به‌راحتی می‌شـــد حدس زد که دزدان وارد خانه شده و پس از بستن دست و دهان زن جوان، دست به سرقت از آنجا زده‌اند.

بازگشت به زندگی

زن جوان به‌دلیل اینکه چندین ساعت دهانش بسته و بدون آب و غذا در گوشه‌ای از خانه افتاده بود، شرایط وخیمی داشت. اما با تلاش پزشکان از مرگ نجات یافت و کمی بعد به‌هوش آمـــد. با بهبودی زن جوان، این زوج راهی اداره پلیس شدند تا از ســـارقانی که به خانه آنها دستبرد زده بودند شکایت کنند. زن جوان در توضیح ماجرا گفت: چون شوهرم راهی ماموریت کاری شده بود، من روزها به خانه بستگانم می‌رفتم و شب‌ها به خانه خودمان برمی‌گشتم. شـــب حادثه که از خانه یکی از بستگانم برگشتم، زن و شوهر سرایدار در حالی که پریشان بودند به سمتم آمدند و زن جوان با گریه گفت که دزدان به خانه سرایداری آنها دستبرد زده‌اند. وقتس همراه آنها به خانه سرایداری رفتم ناگهان در را قفل کرده و مرا در آنجا زندانی کردند. سپس مرد جوان چاقویی زیر گلویم گذاشت و با تهدید کارت‌های عابربانکم را گرفت و در اختیار همسرش قرار داد.

شاکی ادامه داد: آنها ابتدا حسابم را خالی کردند و بعد با تهدید کلیدهای خانه‌ام را گرفتند و مرا به داخل خانه بردند و با زور و تهدید رمز گاوصندوقم را هم گرفتند. اموال داخـــل گاوصندوقم، ۵میلیون تومـــان پول نقد، حدود ۶۰۰میلیون تومان دلار و مقداری سکه و طلا و ۴گوشی موبایل گران‌قیمت بود که همه را سرقت کردند. پس از آن مرد سرایدار با چاقو به سمتم آمد و درحالی که دست و پایم را بسته بود قصد داشت مرا به قتل برساند. به او التماس کردم که مرا نکشد اما کاملا جدی بود. همان لحظه همسرش پادرمیانی کرد و با گریه و التماس از شوهرش خواست تا مرا نکشد. حرف‌های او باعث شد مرد سرایدار عقب‌نشینی کند. با این حال چسبی به دهانم زد و دست و پایم را به تخت اتاق خواب بست تا نتوانم تکان بخوردم. ســـپس تلفن خانه‌ام را قطع کرد و موبایلم را هم گرفت و پس از آن هردوی آنها فرار کردند. وی گفت: ۲روز داخل خانه بدون آب و غذا مانده بودم که از هوش رفتم اما خوشبختانه شوهرم زودتر به خانه برگشت و نجات یافتم.

طمع دوباره

با این شکایت، پرونده‌ای در شـــعبه چهارم دادسرای ویژه سرقت تهران تشکیل و تحقیقات برای دســـتگیری زوج سرایدار آغاز شـــد. آنها اما بدون برجا گذاشتن سرنخی فراری شـــده بودند تا اینکه چند روز بعد اتفاق عجیبی رخ داد. زوج سرایدار صبح زود به حوالی ساختمان اعیانی برگشتند تا شاید بتوانند این‌بار نقشه سرقت از یکی دیگر از آپارتمان‌های این ساختمان را عملی کنند. آنها این ساختمان را زیر نظر داشتند که در همین هنگام زن جوان (مالباخته) برای انجام کاری از ساختمان خارج شد و اتفاقی چشمش به مرد ســـرایدار افتاد. او با دیدن مرد وحشت‌زده فریاد زد و درخواست کمک کرد و با کمک رهگذران مانع فرار این زوج شد. همزمان ماجرا را به پلیس خبر داد و به این ترتیب زوج سارق دستگیر شدند. آنها در بازجویی‌ها به ســـرقت از خانه مهندس و همسرش اقرار کردند و مرد سرایدار گفت که نقشه قتل زن جوان را کشیده بود.

او توضیح داد: می‌دانستم وضعیت مالی آقای مهندس خیلی خوب است و به‌دلیل شـــرایط کاری‌اش مدام به ماموریت می‌رود. از طرفی معتاد به شیشه شـــده بودم و پولی برای تامین مواد و زندگی نداشتم. به همین دلیل بود که نقشه سرقت کشیدم و می‌خواستم همسر مهندس را به قتل برسانم تا شاهدی باقی نگذارم. اما شب حادثه همسرم مانع شد و بعد از سرقت از تهران فرار کردیم و بدهی‌هایم را پرداخت کردم. حتی یک خانه اجاره کردم و موتورسیکلت خریدم تا با آن کار کنم. اما بعداز چند هفته طمع دزدی دوباره سراغم آمد و چون کلید ساختمان اعیانی را داشتم و اطلاعات زیادی از ساکنان آن داشتم، تصمیم گرفتم دوباره برای سرقت به آنجا برگردیم و صبح زود، زمانی که تردد در این ساختمان کم است نقشه‌ام را عملی کنیم که گیر افتادیم.

براســـاس این گزارش، متهمان با قرار قانونی در اختیار مأموران آگاهی تهران قرار گرفتند و تحقیقات از آنها ادامه دارد.

کوتاه از حادثه

مأمور پلیس منجی ۲کودک در کانال آب

پلیس وظیفه شناس که در مرخصی بود وقتی دید مردی همراه با ۲فرزندش در کانال آب با مرگ دست و پنجه نرم می‌کند تلاش کرد جان آنها را نجات دهد. هرچند او توانســـت ۲پسر نوجوان را از آب بیرون بکشد اما پدرشـــان در این حادثه جان خود را از دست داد.

به‌گزارش همشهری، این حادثه روز پنجشنبه در کانال آب ورودی آبپخش در شهرستان دشتستان واقع در استان بوشهر اتفاق افتاد. یکی از مأموران پلیس بخش شبانکاره به نام سروان جهانبخش نیک‌بین که در زمان استراحتش به آن حوالی رفته بود، ناگهان مردی را دید که همراه ۲ پسر خردســـالش در کانال آب در حال دست و پا زدن هستند. آنها شنا کردن نمی‌دانستند و در حال غرق شدن بودند. در چنین شرایطی بود که پلیس وظیفه شناس برای نجات آنها داخل کانال آب پرید.

او اول سراغ ۲ پسر نوجوان رفت و توانست یکی پس از دیگری آنها را از آب بیرون بکشد. او سپس مرد میانسال را از آب بیرون آورد اما او شرایط خوبی نداشت. سروان نیک‌بین با انجام تنفس مصنوعی تلاش کرد او را نجات دهد اما کار از کار گذشـــته و او جانش را از دست داده بود.

ســـرهنگ فرهاد آراوند، فرمانده انتظامی شهرستان دشتستان با اعلام جزئیات این خبر گفت: روز پنجشنبه در پی اعلام مرکز ۱۱۰ مبنی بر یک فقره غرق‌شدگی در کانال آب ورودی آبپخش، مأموران انتظامی خود را به آنجا رساندند و معلوم شد که پدری ۵۴ساله همراه ۲فرزندش که یکی ۱۰ساله و دیگری ۶ساله است برای شـــنا وارد کانال آب شـــده و هر ۳نفر دچار حادثه شده‌اند. هرچند یکی از مأموران که خارج از ساعت کاری‌اش در آنجا بود ۲پسر را نجات داده اما پدر آنها فوت شده بود.

سرنوشت نامعلوم معدنچیان پس از ریزش معدن

ریـــزش معدنـــی در کرمان ۲نفـــر از معدنچیـــان را بـــا سرنوشـــت نامعلومی مواجه کرده و با وجود ادامه عملیات جست‌وجو، هنوز نشانی از آنها پیدا نشده است.

به‌گزارش همشهری، عصر روز پنجشـــنبه دیواره کوه معدن روباز کرومیت چیل‌آباد واقع در شهرســـتان ارزوئیه استان کرمان هنگام برداشت دچار ریزش شد. وســـعت این حادثه به حدی بود که ۳نفر از معدنچیان زیر انبوهی از سنگ و خاک گرفتار شدند و از همان زمان تلاش‌ها برای یافتن آنها آغاز شد. هرچند امدادگران هلال احمر توانســـتند یکی از حادثـــه دیدگان را که مصدوم شده بود از زیر آوار بیرون بکشند اما ۲نفر دیگر همچنان مدفون بودند.

رضا فلاح، مدیرعامل هلال احمر اســـتان کرمـــان در این‌باره به همشهری گفت: برای جست‌وجو و امدادرسانی، علاوه بر امکانات هلال‌احمر از ۳دســـتگاه بیل مکانیکی ســـنگین متعلق به یک شرکت صنعتی نیز به محل اعزام شد اما ریزش کوه موجب کند شدن عملیات آواربرداری و جست‌وجو شد.

او ادامه داد: ســـخت گذر و کوهســـتانی بودن مسیر از یک سو و ریزش سنگ از سوی دیگر کار عملیات نیروهای امدادی را سخت و پرمخاطره کرده اســـت با این حال ۲۷نفـــر از نیروهای امداد و نجات شـــامل ۶تیم امداد و نجات، ۳تیم جست‌وجو در آوار، یک تیم آنست(سگ‌های زنده‌یاب)، یک تیم واکنش سریع و یک تیم پشتیبان در محل حادثه حضور دارند و مسئولان شهرستان نیز به همراه همه ظرفیت‌هایشان برای امدادرسانی بسیج شده‌اند.

فلاح در ادامه گفت: عصر جمعه در شرایطی که عملیات جست‌وجو ادامه داشت، بارش باران موجب جاری شدن سیل در منطقه شد و کار را برای ســـاعتی متوقف کرد اما این عملیات تا پیدا شدن و تعیین تکلیف ۲کارگر معدن ادامه خواهد یافت.

اختلاف دوستانه، انگیزه قمه‌کشی دختران در بوشهر

تحقیقات درباره فیلم قمه‌کشـــی دختران در یکی از پارک‌های بوشهر نشان می‌دهد اختلافات دوستانه انگیزه این حادثه است.

به گزارش همشهری، چند روز قبل فیلم کوتاهی از درگیری چند دختر نوجوان در پارک شغاب بوشهر منتشر شد. در این درگیری یکی از دختران که از سایرین بزرگ‌تر بود قمه‌ای در دست داشت و دختر دیگری را می‌زد. به‌دنبال انتشار این فیلم در شبکه‌های اجتماعی تحقیقات پلیس در این خصوص آغاز شد.

شواهد نشان می‌داد که همه این دختران که بین ۱۳تا ۱۶سال دارند با یکدیگر دوست هســـتند و اختلافاتی که بین آنها پیش آمده انگیزه این درگیری است. سرهنگ سهام صالحی، جانشین فرماندهی انتظامی استان بوشهر در این‌باره گفت: این فیلم مربوط به ۲ماه قبل می‌شود. این دختران نوجوان که مدت‌ها با یکدیگر دوست بودند به‌علت اختلافات شـــخصی، روابطشان با یکدیگر بهم خورده بود و با هم در پارک شـــغاب قرار گذاشته بودند تا از طریق گفت‌وگو مشکل‌شان را برطرف کنند. او ادامه داد: دختران نوجوان بعد از دقایقی گفت‌وگو با یکدیگر به توافق نرسیدند و با هم درگیر شدند که یکی از دختران با قمه‌ای که متعلق به یکی از دوستانش بود شروع به قدرت نمایی پرداخت و چندین ضربه به چند نفر از آنها زد. از طرفی یکی از افراد حاضر در محل از صحنه درگیری فیلمبرداری کرد و پس از گذشت حدود ۲ماه اقدام به انتشار فیلم در فضای مجازی کرد که این موضوع باعث خدشه‌دار شدن اذهان عمومی شد. او در ادامه گفت: کمتر از ۲۴ساعت بعد از انتشار فیلم، فرماندهی انتظامی شهرستان بوشهر با همکاری کارشناسان پلیس فتا، عملیات شناسایی را آغاز و صبح چهارشنبه همه دختران دخیل در درگیری و انتشـــاردهنده فیلم به مرکز پلیس دعوت و پس از انجام تحقیقات اولیـــه به‌منظور اصلاح و پیشگیری از اقدامات مشابه تحت خدمات مددکاری اجتماعی و مشاوره‌ای مرکز مشاوره معاونت فرهنگی و اجتماعی قرار گرفتند و همگی آزاد هستند.